

باختر امروز

« جریده باختر امروز »
نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد الثامن والعشرين
السنة الثانية
المرحلة الرابعة
تموز ۱۹۷۲

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

شماره ۲۸ سال دوم

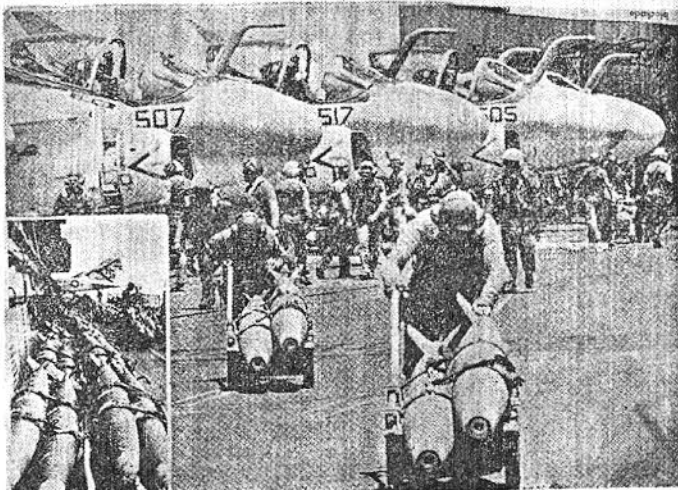
تیرماه ۱۳۵۱

دوره چهارم

..... امیدوارم زندگی ظاهر فریب غریب تو را از عشقی که برای آزادی و آبادی ایران عزیز در دل داری بطور نا خود آگاه باز ندارد . چون تو و دیگران آنچه را که مبینید و درک میکنید و به آگاهی خود اطمینان دارید، باید سعی کنید که به مرحله عملی بگذارید فراموش نباید کرد که آنکس که آگاه شد مسئول است و آنکه مسئول است باید سعی کند که بهترین راه را برای انجام وظیفه و مسئولیت انتخاب و برای آزادی و پیروزی پیش آهنگان انقلاب مبارز قداکار باشد ...

از آخرین نامه حسین سید نوزادی چریک فدائی شهید .

جنگ طولانی واتکا بخود



تجربه تاریخی سیام تیر

توده مردم ایران که قریب بیست سال در زمان سلطنت رضا خان قزاق ، در تعیین سرنوشت خویش مداخله ای نداشتند ، فرصت یافتند که در زمان حکومت ملی دکتر مصدق نقش فعال در رویدادها و امور سیاسی مبین خویش ایفا کنند .

از خصوصیات ارزنده حکومت مصدق این بود که چیزی را از مردم پنهان نمی کرد و تمام مسائلی که با آن روبرو میشد برای توده مردم مطرح میکرد و آنها را از توطئه های پشت پرده ارتجاع مطلع می ساخت و در تصمیماتش از نظریات مردم الهام میگرفت . این امر موجب شد که آگاهی سیاسی - اجتماعی توده مردم بطور قابل ملاحظه ای در زمان کوتاه حکومت مصدق افزون گردد .

یام سیام تیر که علیه توطئه شاه - قوام السلطنه روی داد ، تجلی بزرگ بیوند حکومت مصدق و خلق ایران بود . مردم ایران در سیام تیر ۱۳۳۱ با آگاهی از ماهیت دربار پهلوی و توطئه های امپریالیسم بی باکانه و با فدا کردن جان خویش از خواسته های مصدق حمایت کردند و در نتیجه قوام السلطنه مزدور شناخته شده استعمار از حکومت برکنار شد و مصدق دوباره با اراده خلق زمام امور را بدست گرفت .

مردم ایران در قیام سیام تیر نشان دادند که خواستار در دست گرفتن کلیه قدرت بدست خود میباشند .

متأسفانه احزاب رنگارنگی که در آن زمان بودند ، بنگاه های کارگشائی و محافل روشنفکر مآبانه ای بیش نبودند . این سازمانها از جنبش مردم عقب بودند . بطور نمونه موقعی که مردم در سیام تیر باخشم انقلابی قوای مسلح و تانکهای شاه را محاصره کرده بودند ، هنوز بعضی از « احزاب » در مورد شرکت در قیام تردید داشتند . احزاب باصطلاح « پیشاهنگ » « سوسیالیست » های رنگارنگ همگی در انتظار « معجزه » از طرف دکتر مصدق بودند یا گوی « رسالتی نداشتند بلکه مصدق باید به آنها « اجازه » بدهد که رهبری و رسالت خود را باثبات برسانند . بحق باید گفت که اگر کاردانی مصدق و بیوند و رابطه دموکراتیک او با توده مردم نبود ، پیروزیهای هم که بدست آمد ، حاصل نمیشد .

قیام سیام تیر ، تجربه تاریخی بزرگی برای مردم و تمام انقلابیون صمیمی به خلق میباشند . قیام سیام تیر بما آموخت که :

- ۱ - زحمتکشان ایران که در آن زمان فاقد حزب پیشاهنگ خود بودند ، باید سازمان و حزب مسلح انقلابی خود را داشته باشند تا بتوانند از منافع خود و مصالح خلق و مبین دفاع کنند و بعنوان وسیله موثری در برابر امپریالیسم و ارتجاع مقاومت کنند .
 - ۲ - دست ارتجاع باید بطور کامل و قطعی از کلیه امور و ابزار دولتی کوتاه گردد و ماشین دولتی ارتجاعی داغان شود و ابزار دولتی انقلابی جایگزین آن گردد تا بتواند از منافع خلق حمایت کند .
- با بزرگداشت روز تاریخی سیام تیر و با مبارزه بیگانه خود کینه و نفرت خود را نسبت برزیم ارتجاعی سلطنتی و امپریالیسم تشدید میکنیم و کمبودهای جنبش انقلابی ایران را جبران خواهیم کرد .

سرمایه داران انحصارگر در شروع و ادامه جنگ برای کسب منافع بیشتر و توسل باقتصاد جنگ برای جلوگیری از رکود نکبت انگیز و غیر قابل اجتناب سرمایه داری نیست ، معهدا در جنگ ویتنام پیغام اصلی چیز دیگری است . پیغام جنگ آرمانها ، جنگ نور و تاریکی . و این را نیکسون بخوبی میدانند و بمباران جنون آمیزش و کشتارهای ضد انسانی از مردم شهرهای شمال ویتنام و مین گذاری سواحل این کشور هم بهمین علت است . او میخواهد حال کسبه شکست خوردنش برای خود او مسلم شده تا آنجا که میتواند پیروزی ویتنام را برای مردم آن گران تمام کند و افسوس که قدرت هائی که خود را دوستدار ویتنام میدانند در مقابل چنین جنایاتی که در تاریخ بشریت سابقه ندارد صرفاً به چند اعتراض خشک و تروخالی قناعت میکنند و در مورد کمک رساندن بویتنام بیساز دعواهای قدیمی خود می افتند . زمانی خروشف ، با همه بیمایگی و انحرافاتش ، دعوت خود را از اینهاور پس میگرفت ولی امروزه هنوز چند روز از مین گذاری بنادر ویتنام نگذشته زعمای شوروی جام بجام نیکسون میزنند و از « صلح جهانی » سخن میگویند و کیسینجر نیرنگ باز و مرتجع ، خود داری رهبران چنین را میستاید .

درست است که نیکسون با اطمینانی که از عدم واکنش شدید قدرت ها یافته بود دست بچنین اقدامی زد و حساب او در این قسمت درست در آمد و بخوبی خود برای یک دوره چهار ساله دیگر سیاست خود را ادامه خواهد داد ، ولی ویتنام با پیروزیهای درخشانش برای کور دل ترین افراد نیز ثابت کرد که پیروز خواهد شد .

ویتنام به مردم خویش و راه هوشی مین متکی است و این راه درست ، بگفته انقلابی سالخورده ویتنامی « جنگ طولانی و اتکاء بخود » است . و این وصیت هوشی مین تنها برای ویتنام نیست .

سخن درباره ویتنام گفتن ، سخن درباره بشریت گفتن است . بشریت باتمام عظمت و جلالش ، و با همه شکوه و زیباییش . و این ، یعنی بررسی کردن پدیده ویتنام ، کاری است بعهده تمامیت بشریت و نه کمتر از آن .

دقیقه ای يك تن بمب ، از نوع آتش افروزش ، از نوع خراب کننده اش ، از نوع کشته اش ، از نوع نفوذ کننده اش ، از نوع فلج کننده اش و ... دقیقه ای يك تن بمب نه برای شکست ویتنام ، بلکه برای شکست بشریت ، هستی ، زندگی و امید . و این هدیه سیاه ترین و بدکارترین نیروهای ضد بشری است . این هدیه مجنونی خون آشام است که هر پیروزی بشر را گامی وز راه نفسی موجودیت خویش می شمارد . این هدیه نیکسون ، این هدیه طبقه حاکمه امریکا ، این هدیه ارتجاع جهانی و همه نیروهای امریعی است .

و اگر غیر از این بود که ویتنام هر روز با قدرت تر و مصمم تر شود عجیب بود . ویتنام نشان داد که چگونه در عرض چند روز میتواند تمام عربده جوئیها و قدرت نمائی های چند ساله مرتجعین را بوضوح نشان داد . و امروز دیگر کسی سخن از غلبه بر ویتنام و یا برنامه نبوغ آمیز ! « ویتنامی کردن » جنگ نمیکند . امروز علمداران این شعار کاذب - نیکسون - در بدر باین کشور و آنکشور روی میاورد تا او را از شر صعبیت ویتنام « آبرومندان » خلاص کنند . او نمیتواند بشکست ارتجاع در ناپود کردن حماسه بشریت اتراف کند . جنگ ویتنام تنها ویتنام نبود و قصد آمریکا نیز فقط استثمار ویتنامی ها نبود . این جنگ ایدئولوژیها بود و هست ، جنگ خوب و بد .

امریکا همانطور که نشان داد چندین برابر مقداری که امکان داشت از استثمار مردم ویتنام بچنگ آورد تاکنون خرج جنگ کرده و گرچه تردیدی در نقش

این حق مسلم تو بودی است که خشونت پیراییم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

که ارتجاع ایران برای خلسق ایران و عرب دارد در اکثر شماره‌های مجله (اهداف) بچشم می‌خورد . انقلابیون ایران بخون همه شهیدان راه حق و آزادی سوگند یاد کرده‌اند که براه مقدس آنان ادامه دهند . فقدان غسان کنگانی بر مردم مبارز ایران سخت است اما مگر شهادت شهیدان خود انگیزه‌های جدید برای انقلاب و استمرار آن نیست . خوشا بحال غسان که دشمن ، او را دشمن خود دانست . این نشانه اصالت و صداقت اوست .

اطلاعیه

در شامگاه دو شنبه هشتم خرداد ماه جاری ، مراکز کمپانیهای غارتگر آمریکائی در ایران هدف حملات چریکهای فدائی خلق قرار گرفتند . در این حملات کمپانیهای غارتگر آمریکائی در ایران هدف حملات شرکت نفت مارین ، و دفتر شرکتیهای عامل نفت منفجر شده و شدیداً آسیب دیدند . هم چنین سحرگاه چهارشنبه دهم خرداد دو انفجار پیاپی در مقابل هتل اینترناشنال باعث انهدام دو اتومبیل اداره مستشاری نظامی آمریکا گردید . ضمناً در مسیر حرکت نیکسون به آرامگاه رضا خان دیکتاتور چندین انفجار بوقوع پیوست این عملیات که با استفاده از تجارب قبلی چریکها صورت گرفت تماماً موفقیت آمیز بوده و نتایج درخشانی ببار آوردند .

این انفجارها تمام نتایج را که غارتگران آمریکائی از سفر نیکسون به ایران انتظار داشتند خنثی نمود . سفر نیکسون بایران که با بررسی های دقیق سازمان جنتیکار جاسوسی آمریکا (سیا) طرخریزی شده بود ، بمنظور بهره برداریهای روانی و سیاسی انجام پذیرفت . سفر ارباب نیکسون به میهن ما ، مثل دستی بود که نیکسون با بزرگواری یک ارباب از سر رضا و محبت بسر سنگ وفادار خویش (شاه) کشیده باشد . اما انفجارهای متعدد که نمایشگر اراده انقلابی خلقی خمشکین بمنظور در هم شکستن هرگونه مظهر استثمار و استعمار بیگانه بوده اند ، دستهای هراس الود ارباب را بلرز افکندند و شاه این سنگ وفادار را بجای دم تکانی نزد ارباب خویش به زوزه‌های دردناک واداشتند . همراه با نیکسون یک گروه ۴۵۰ نفری بمنظور مذاکره در زمینه‌های گوناگون به میهن ما وارد شدند . این گروه در نظر داشتند ضمن مذاکره با نوکران ایرانی خود ، برنامه‌ای برای غارت باز هم وحشیانه تر ثروتهای ملی ما ، و استثمار باز هم پرجمانه تر خلق رنجکش ایران طرخریزی کنند .

اینان همچنین میخواستند از میهن ما پیاگاهی برای سرکوبی جنبش های انقلابی منطقه مانند جنبش رهایی بخش ظفار (خلیج) ، مبارزات قهرمانانه انقلابیون عرب بر علیه صهیونیسم . . . استفاده کنند . اکنون بر جلسات اینان سایه‌ای از ترس برتو افکنده است . اینان بخوبی دریافته‌اند که خلق قهرمان ایران دیگر به نوکران داخلی آمریکائیان و در راس آنها شاه وطن فروش مجال نخواهند داد تا میهن مقدسشان را در بست در اختیار غارتگران قرار دهند و آنرا عرصه یکه تازی هرزگیهای وطن فروشانه خویش کنند .

صدای مهیب انفجارهای متعدد در موسسات استثمار و استعمار غارتگران آمریکائی ، فریاد رزم آوری خلق قهرمان و آزاده ایران بر علیه امپریالیسم غارتگر آمریکا و نوکران داخلی آنها و در راس شان شاه خود فروش بوده است ، فریاد رزم آوری خلقی بوده است که دیگر نمیخواهد در برابر غارت وحشیانه ثروتهای ملی و استثمار بیرحمانه ، نظاره‌گر بی تفاوتی باشد . فریاد رزم جوانه خلق قهرمان ایران بوده است که اراده خویش را برای از هم گسستن زنجیرهای استثمار بیگانگان آمریکائی و نوکران داخلی آنها هر چه فاطعانه‌تر ابراز داشته است .

زنده باد خلق قهرمان ایران
زنده باد انقلاب آزادیبخش خلق ایران
مرگ پرشاه خائن
مرگ بر غارتگران آمریکائی
چریکهای فدائی خلق ۱۱-۳-۵۱

به یاد مجاهد شهید احمد رضائی

انقلابیون همه ثمرات يك زندگي پر تلاش و پر ماجرا هستند . شخصیتهای استوار و صديق و وفادار آنها طی برخوردهای متعدد با دردهای مردم ، رنجهای مردم و غمهای مردم ، شکل گرفته و اینسکه سرشار از فداکاری شجاعت و صداقت هستند . احمد رضائی هم مانند همه انقلابیون میوه يك زندگي پسر از تلاش و ماجرا است . او دوست واقعی مردم فقیر و ستمدیده بود . از کودکی در جلسات مذهبی شرکت می‌جست و بخصوص در روزهای محرم بخاطر عشق و ایامی که به حسین بن علی و به قهرمانان کربلا داشت فعالانه در ترتیب دادن مجالس سوگواری شهیدان میکوشید . او در سالهای ۴۳ و ۴۴ در تبدیل عزاداری معمولی به يك تظاهرات وسیع سیاسی در تهران نقش فعالانه داشت و خود بارها جوانان هم سن و سالش را بدور هم جمع میکرد و به بحث و تبادل نظر و تفکر درباره مفاهیم واقعی قرآن میپرداختند . این در حقیقت زمینه فعالیت‌های اجتماعی بعدی او بود . در سال دوم دبیرستان در سازمان جوانان جبهه ملی ایران فعالیت داشت و در برقراری تظاهرات ضد رژیم در داخل دبیرستانی که درس میخواند کوششی جسورانه بخرج میداد و بارها باعث تعطیل دبیرستان شد . همه همواره‌هایش ب یاد دارند که در آرزوها هرروز صبح زود اعلامیه در جاکتابی کلاسیشان و یا در سالنهای دبیرستان چسبانده شده بود . این احمد بود که صبح زود برای اینکار مخفیانه بدبیرستان میرفت .

ولی فعالیت جبهه در آن زمان چیزی نبود که روح واحساس بزرگ او را از يك مبارزه برضد تبعیذاتی راضی کند ، این بود که همواره میکوشید که رفقاییش را بشروع يك فعالیت جدی‌تر وادارد ولی او هنوز جوان و کم تجربه بود . سال سوم دبیرستان بود که توسط پلیس در حایکه يك ماشین چسپ را بمنزل می‌برد دستگیر شد .

مدتی بعد آزاد شد . احمد با اینکه در دبیرستان شاگرد ممتازی بود ولی هیچگاه بدرس بخاطر نمره نمی‌اندیشید ، او همواره بمبارزه فکر میکرد و این بود که از سال پنجم دبیرستان درس را رها کرد و بسریازی ارتش ضد انقلاب هم نرفت و بصورت يك رزمنده حرفه‌ای درآمد . او درمیان طبقات واقشار مختلف ، کارگر ، بازاری و دانشجو صدها دوست و آشنا داشت و همه او را بعنوان سمبل تحرك و جسارت می‌شناختند .

در سال پنجم دبیرستان وارد نهضت آزادی ایران شد ولی وقتی که نهضت آزادی هم با دستگیری رهبرانیش از فعالیت باز ایستاد بدوستانش که عمل مستقل و مترقی را شروع کرده سازمانی با هدف مبارزه مسلحانه تشکیل داده بودند پیوست .

این تشکیلات جوان که بوسیله برخی از دانشجویان نهضت و غیر از آنها بوجود آمده بود و بعدها نام « سازمان مجاهدین خلق ایران » را بخود گرفت ماوای همیشگی احمد شد . از آن بعد ، او همه انرژی و فکر و تلاش خود را در راه پیشبرد هدفهای این سازمان گذاشت .

احمد یازده سال تمام در راه مبارزه عادلانه مردم تلاش کرد و از همه « لذتهای » زندگی و جوانی چشم پوشید . او نمونه يك رزمنده بی‌امان بود و نسبت بدشمن بسیار متنفر و آشتی ناپذیر بود و همیشه میگفت بدون نفرت و کینه‌ای عمیق نسبت بدشمن نمیتوان مبارزه کرد . شش ماه آخر زندگی پرمجاریش در اوج تلاشی خستگی ناپذیر بسر برد و با شجاعت و جسارت و هوشیاری تمام توانست به ترمیم خسارتهاییکه سازمان در اثر ضربات مداوم پلیس متحمل شده بود بپردازد . عمل او بخصوص در تحکیم سازماندهی ، سازمانی که شش سال تمام بطور خستگی ناپذیر در راه آن کوشیده بود ، بهترین گواه هوشیاری ، جسارت و تلاش خستگی ناپذیر اوست . او سببهای متعددی را چشم برهم نزد و پلیس را از دست خودش بنهایت بخشم آورد و متقابلاً رفقای زندانی و کسانی که او را می‌شناختند امیدوار ساخت . همین امر بود

که پلیس بعد از شهادتش بلافاصله خبر آنرا از رادیو پخش کرد زیرا باین وسیله پلیس قصد داشت ضربهای ب مردم وارد آورد ولی مرگ او هم پاندازه زندگیش پرماجرا بود . او وقتی که ساعت هفت بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۵۰ خود را در محاصره ده پلیس بشعاع يك کیلومتر می‌بیند با استفاده از چهارده گلوله اسلحه‌اش در مقابل پلیس مقاومت میکند تا رفیقش را فراری دهد چون حلقه محاصره وسیع بود رفیق احمد گرفتار میشود ولی وقتی پلیس برای زنده گرفتن او حلقه محاصره را تنگ میکند ناگهان احمد نارنجکی که ضامن آنرا کشیده بود بمیان پلیس می‌رود و نارنجک را منفجر میکند و چهار پلیس کشته و سا نفر زخمی میشوند و عدهای دیگر از آنها جراحاتی بر میدارند . از احمد چیزی باقی نماند و حتی اسلحه کمربش تکه تکه شد و تمام بدنش متلاشی گشت و خون پاکش برپهای خیابان را رنگین ساخت . باین ترتیب احمد هرگز تسلیم نشد و پلیس هرگز نتوانست او را دستگیر کند . او اسرار تشکیلات را در گنج دلش تا ابد پنهان داشت و باردیگر امانت داریش را به خلق نشان داد . همین بود که پلیس بخشم آمد . دشمن حتی از تحویل جسد او بخوانواده‌اش خودداری کرد و حتی گور او را نشان نداد . دشمن از انسان انقلابی در حیات و شهادتش هر دو وحشت دارد . درود فراوان بر احمد رضائی مجاهد دلیر خلق . درود بر پدران و مادرانی که فرزندانیشان چون احمد را پرورده و در راه انقلاب و آزادی ایران تقدیم میکنند . راه او ادامه خواهد یافت . سلاح انقلابیون بر زمین نخواهد ماند .

آخبار

همزمان با مسافرت نیکسون بایران ، مجسمه شاه در قصر شیرین بعنوان اظهار تنفر نسبت بامپریالیسم و مزدور آن شاه توسط چریکها منفجر گردید .

روز نوزدهم خرداد هتل شاه عباس در اصفهان که از هتلهای درباری و محل رفت و آمد غارتگران داخلی و خارجی است توسط چریکها منفجر شد و خسارات زیادی بهار آورد .

روز هشتم خرداد ساعت چهار بعد از ظهر ، تمام خوابگاههای دانشجویان در تهران مورد حمله پلیس و ساواک قرار گرفت و دانشجویان را بجرم پرتاب سنگ بطرف نیکسون مثل اسرای جنگی بصف کردند و تمام اطاقها را تفتیش نمودند و هر کس که غیر از کتاب درسی کتابهای معمولی دیگری در اطاق داشت بازداشت کردند و خیلی از لوازم اطاق را باین خیال که « جاسازی،

شده شکستند و ازین بردند و سیصد نفر از دانشجویان بازداشت و باخود بردند . در اثر این واقعه دانشجویان که بخشم آمده بودند مأمورین رژیم را با سنگ بدرقه کردند . پلیس برای اینکه بتواند با خیال راحت محوطه را ترک کند دوباره بدانشجویان هجوم آوردند و بقیه دانشجویان را بزور باطاقها برده درها را قفل کردند و جلوی درها پلیس مستقر کردند . عدم زیادی از این دانشجویان هنوز در زندان بسر می‌برند .

در اوایل خرداد عده‌ای از طلاب مدرسه فیضیه قم چند مأمور ساواک را در قم بقصد کشتن کتک زدند و متواری شدند . همچنین عده‌ای از روشنفکران متدین بسر آیت‌اله خوانساری را که معمم و با سازمان امنیت همکاری میکند ، بقصد کشتن کتک میزنند و فرار میکنند و تاکنون پلیس نتوانسته بانها دسترسی پیدا کند .

پس از اینکه عده‌ای از طلاب دین درقم بعنوان پشتیبانی از مبارزین و تجلیل از شهدا مجاهدین خلق مراسم برگزار کردند عده زیادی از آنها دستگیر و برای تنبیه بسربرازخانه فرستاده شدند و عده‌ای نیز به بندر عباس تبعید گردیدند .

آیت‌اله ملامتی ، روحانی بزرگ شیراز را بجرم پشتیبانی از مجاهدین و انقلابیون بازداشت کرده‌اند و منزل او تحت مراقبت شدید پلیس بقیه در صفحه ۳

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی

اخبار

قرار دارد . و فرزند ایشان را نیز که طی سخنرانی مردم را دعوت بهمکاری با چریکها کرده بود دستگیر کردند .

جمعی از گویندگان و مبلغین آزادیخواه اسلام از جمله حجت الاسلام خزلی ، شیخ نجم الدین اعتمادزاده ، شیخ حسن لاهوتی ، سید نورالدین طالقانی را بجرم همبستگی با مبارزین خلق دستگیر و زندانی کرده اند .

آقای غلامحسین یزدانی از طلاب دین نجف که سال قبل هنگام عبور از مرز عراق - ایران بجرم داشتن چند نامه از حضرت آیتاله خمینی و نشریه ایران آزاد ، دستگیر شده بود بسه سال زندان محکوم گردانند .

بدنبال اعدام عدهای از سازمان مجاهدین خلق ایران ، در شیراز در مسجد نو مجلس ختمی برگزار شد . در این جریان اعلامیههایی بتایید مبارزین نامبرده بخش شد و مأمورین پلیس که بطور وسیعی در اطراف و داخل مسجد بسیج شده بودند عدهای را بعنوان اعلام همبستگی با مبارزین ضد رژیم دستگیر کردند که از جمله عبارتند از :

حسین فیاضی ، طاهری ، خزائی (محصل) ، اصغر کلابی ، شاپوریان (دانشجو) ، اسداله اکودکی و رضائی (کاسب) . در ضمن آقایان روحانیون ، علی اکبر مکارم ، سید منیرالدین حسینی هاشمی را بهمین اتهام بقاطر بد آب و هوا تبعید کردند . پس از شهادت پنج نفر دیگر از جمله رسول مشکین فام ، مردم بمنزل پدر ایشان که در شیراز بود برای تسلیت و ابراز همدردی میروفتند . در روز هفتم شهادت مجلس ختمی در مسجد ولی عصر ادر خیابان داروش برگزار شد و طبقات مختلف مردم در آن شرکت کردند . از طرف دانشجویان دسته گلی تقدیم شد و آقای آیتاله زاده مجد الدین محصلاتی سخنرانی نمودند و از شهدا تجلیل شد . بدنبال آن آیتاله زاده مجد الدین محصلاتی بایرانشهر تبعید شدند . آقای شاپوریان در حدود دوماه است که پس از دستگیری تحت شکنجه قرار دارد و عدهای دیگر از جمله آقای دیانت از روحانیون جوان و مبارز دستگیر شده اند .

طبق اطلاع رسیده از ایران ، عده کثیری از مبارزین مردم بعلت اعتراض و مخالفت با رژیم ترور شده دستگیر شده اند که کوشش خواهیم کرد در آینده اطلاع دقیقتری از چگونگی و علل دستگیریهای اخیر را در اختیار هم میهنان قرار دهیم .

جنايت ارتجاع

ارتجاع بیهوده میکوشد که حلقه زنجیر خود را به مبارزین هرروز تنگتر کند . فشار بر نیروهای باز و آزادیخواه در بسیاری از مناطق خاورمیانه باریش یافته است . در روز ۳۰ ژوئن خبر گزارها خبر بود کشی « ویدات جیسوارک مبارز ترک را منتشر راند . ویدات باتفاق مبارز دیگری از ترکیه یازده نفر زندانیهای لبنان باتهام بوج و بی اساس گرفتار شده بود . دولت فاشیستی ترکیه بالاخره با زد پنهای پشت پرده در اواخر ژوئن آنها را از لبنان بول گرفت و پنچند روز بعد خبر « خود کشی » ویدات اعلام داشت . این جنایت ننگ آمیز که فقط نموداری همکاری های ارتجاع منطقه برای جلوگیری از وسعت مبارزه خلقهای قهرمان خاورمیانه است درست خلاف نظر ارتجاع ، همبستگی انقلابی خلقها را بیشتر مستحکمتر میکند .

ما مطمئن هستیم که خلق قهرمان ترکیه انتقام این جنایت را خواهد گرفت و هر روز در ادامه مبارزه خود هم تر و قاطع تر خواهد شد .

مصطفی کمال باتفاق سیزده نفر از انقلابیون که ضمن فعالیت چریکی در ترکیه دستگیر شدند .

مبارزه انقلابی در سیلان

مبارزه انقلابی در سیلان دوباره در حال اوج گرفتن است .

کمی بیش از یکسال از قیام آوریل کارگران ، دهقانان و روشنفکران سیلان برهبری جبهه آزادی بخش خلق میگذرد جبهه آزادیبخش در سال ۱۹۶۵ بوجود آمد . تا این سال هنوز عدهای از مردم فریب احزاب طاهرا مترقی سنتی را خورده بودند . احزاب باصطلاح تروتسکیست و باصطلاح کمونیست ، با وجود اینکه در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی توانسته بودند با استفاده از احساسات ضد امپریالیستی مردم برای خود اعتباری دست و پا کنند ، طی سالهای بعد چهره سازشکار و زفرمیست خود را نشان دادند و بالاخره با همکاری مستقیم با حزب اس-ال-ف-بی (حزب حاکم) مشاغل دولتی را بین خود تقسیم کردند . این اتحاد سه حزب زفرمیست به سختی با هر گونه خواست انقلابی مبارزه میکرد .

جوانان انقلابی سیلان از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ بطور مخفی و پس از این بصورت نیمه علنی به سازماندهی و تدارک پرداختند . توسعه فوق العاده این جبهه نموداری از نا رضایتی شدید مردم و نیز باز شدن شفت احزاب سنتی بود . بیکاری ، فقر ، فساد و ارتشاء در تمام شئون جامعه رخنه کرده بود و هیچ چیز جز يك تغییر بنیادی در جامعه نمیتوانست مردم را ارضاء کند .

توطئه های حکومت انقلابی علیه انقلابیون و دستگیری بعضی از رهبران آنها بالاخره منجر به قیام زودرس ۵ آوریل شد . در این قیام چند صد هزار انقلابی قسمتهای وسیعی از کشور را آزاد کردند . شعار آنها این بود « راه ما راه چه گوارا است » راه ما راه هوشی مینه است « بخش عظیمی از توده مردم بحرکت در آمده بودند . و احتمال بسیار قوی میرفت که مردم بتوانند حکومت را در دست گیرند . در مقابل چنین حرکتی ناکهانی ، هواپیماها و سلاح های جنگی امریکا ، انگلستان ، شوروی ، یوگسلاوی ، پاکستان و مصر همراه با کشتی های جنگی و ارتش هند بکمک ارتش ارتجاعی باندارانک شتافتند . خلبانان روسی شخصاً وارد میدان شدند . و بزودی کمکهای مادی (و سپس معنوی) چین به حکومت نیز سرازیر شد . شاید در جهان همکاری همه این دول در يك جناح سابقه نداشته باشد تنها این نوع همکاری بود که توانست این قیام مردمی را پس از کشتن دهها هزار نفر در هم بشکند . حکومت فاشیستی که کامکان از پشتیبانی تمام دول فسوق برخوردار است بیهوده سعی کرد با کشتار وسیع غیر قابل تصور که شبیه آنرا فقط رد جنایات امریکا در

وینتام میتوان دید از حرکت انقلابی مردم جلوگیری کند ملی توده ببتنگ آمده را هیچ نیروئی نمیتواند از حرکت باز دارد . جنبش دهقانان در حال اوج نوبی است و توده های کارگر جوان که ماهیت ارتجاعی رهبران سندیکائی خود را در جریان قیام آوریل دریافتند و بهوش آمده اند اکنون بیش از همیشه بمبارزه گرویده اند . جوانان روشنفکر انقلابی و انبوه عظیم بیکاران هم اکنون چنان خطری برای رژیم باندارانک ایجاد کرده اند که وی ملتسمانه از دول فوق تقاضای ازدیاد کمک را کرده است در آینده نزدیک توده های ملیونی سیلان که عدهای از آنها را هم « تروریست » میخوانند بیای بر خواهند خاست . این بار عظیم تر و وسیع تر و آزموده تر .

اطلاعیه

در شب چهارشنبه سوم خرداد ماه جاری چند پاسگاه راهنمایی از جانب چریکهای فدائی خلق مورد حمله قرار گرفتند . این حملات بمنظور یاسخ دادن بزورگویی پلیس راهنمایی برانندگان زحمتکش تهران انجام گرفت ، این حملات پلیس را وادار بتخلیه و جمع آوری پاسگاههای راهنمایی کرد و بطوریکه هم میهنان مشاهده کرده اند اینک اکثر لانه های باج گیری دستگاه پلیس ضدمردمی شاه برچیده شده است .

ما به دستگاه راهنمایی و رانندگی اخطار میکنیم در صورتیکه اخذ جرائم و باج گیری از زانندگان زحمتکش تاکسی بار ، تاکسی ، کرایه خانه نیاید باز هم مواضع پلیس راهنمایی مورد حمله قرار خواهند گرفت .

درد برانندگان زحمتکش تهران مرکز بر راهگاه ستمگو راهنمایی و رانندگی مرکز بر شاه رئیس دزدان رژیم

چریکهای فدائی خلق ۵۱-۳-۴

به گمان من ، ترکتوتبال توسط این بازیکن ، به اهمیت ترکت زندگیست ، ما در اینجا در بازیها شرکت نخواهد کرد گمانیکه در ترکتوتبال نیست . او فقط همراه تیمت بدون کوچکترین وظیفه و خیال می- کند . جنگ این بازیکن علیه انصاف ، بسیار شدیدتر از جنگ در میدان بازی باشد ... او چون بیمار عصبی میماند که حرکات غیر عادی دارند . حتی باکشی که ناهم صحبت می - کردیم ، بدون مقدمه حاشی مقبل شد و برید گوشه باشگاه وسط خیابان و اسرافغ کرد . دکتر تیم میگوید که او نم مسومست و نه بیمار جسمی . ترکتوتبال ، چنان اورا عذاب میدهد که مثل : نوعی میکرب در وجود او شده است . هر باو پیشنهاد کردم وارد باد « بد خیال ها » شود و او به نوعی گفت : « آنها مرا نمی- پذیرند ! »

بهبودی فوتبالیست محبوب یاشکنجهگر منفور

نقل از کیهان ورزشی

توجه

چاپ دوم « ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا » نوشته چریکهای فدائی خلق امر پرویز پویان و کتاب « تحلیل از جامعه ایران (هم استراتژی ، هم تاکتیک) نوشته مسعود احمد زاده از چریکهای فدائی خلق . هم چنین جزوه « رمز نویسی توسط سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه) انتشار یافته اند .

همینجا اگر اسلحه داشتیم دادستان را بخاطر بیعدالتیهایش میکشتم .

(علی میهن دوست)

ما سلاحها را برای عناصر پلیدی مثل شما آماده کرده بودیم .

(مسعود رجوی در بیدارگاه شاه)

درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی بیمارکسیسم بعنوان يك مکتب مترقی اجتماعی احترام میگذاریم .

(ناصر صادق)

رای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم

باختر امروز

« تفاهم دراز مدت » شاهانه

در کارنامه بزرگتر از دیگری است . يك رشته بیوسه کدم جنایت و خیانت ، هر يك راپسته به دیگری ، و همه تواما تشکل دهنده زنجیر گرانی که به پای خلق ما بسته شده ، و چند روز گذشته حلقه دیگری بر این زنجیر افزوده شد .

سیاست نفتی شاه و روش خاص او در اوپک ، در گذشته بطور نسبتا مفصل مورد بررسی سازمانهای ما قرار گرفته است و تشخیص موضع ارتجاعی او ، برای کسانی که معتقد به تحلیل علمی پدیده ها بر مبنای شناخت ماهیت عوامل موثر در آن پدیده هستند هیچگاه اشکالی نداشته است . نقشی نوگر مآبانه شاه ، او که گاه در پشت الفاظ کودک فریب پنهان میشد ، هیچگاه نا معلوم نبوده و بنا بر این وقایع هفته گذشته ، فقط از این نظر جالب توجه هستند که ماهیت کثیف وی را در سر سبردگی استعمار به وضوح و بدون هیچ نوع پرده پوشی نشان میدهند .

اوپک علیرغم عدم تجانس ماهیت دول تشکیل دهنده اش و با وجود آنکه اکثر اعضاء آن بنحوی از انحاء و بدرجات مختلف وابسته به استعمارند ، ممکن بود ، تحت شرایطی ، بخاطر قدرتی که ناشی از دست داشتن قسمت عمده ذخائر نفتی جهان است ، بتواند گاه کارتل های نفتی را وادار به دادن امتیازاتی ، ولو موقتی و ناچیز کند . ولی همانطور که دیده ایم ، هر اقدام مترقی و یا نیمه مترقی پاره ای از اعضاء آن ، با از پشت خنجر زدن دیگری مواجه شده و عملا خواست کارتل های نفتی در اکثر موارد به بهترین وجهی عملی شده است . نمونه این کار را در سال گذشته ، در نقش خراب کننده شاه دیدیم و امسال درست مقارن با کنفرانس وین (اوپک) اقدامات نوگر منشا نه شاه بنحوی وقیحانه آشکار میشود .

آخر شاه ضمن « دیدار خصوصی » خود از انگلستان درست مثل خودفروشی که دائما قیمت خود را ارزان میکند گفت « ایران توانسته است به یک تفاهم دراز مدت بر اساس همکاری مستحکم بخاطر نفع طرفین دست یابد بطوریکه شرکت های نفتی اطمینان کامل داشته باشند که نفت آنها تا مابین است و هیچگونه ترسی از اینکه ناگهان نفت قطع شود و یا اینکه نرخی به آنها تحمیل شود که پرداخت آن برای مصرف کنندگان دشوار باشد نداشته باشند » او با کمال بیشرمی نه تنها به کارتل های نفتی اطمینان میداد که هرچه میخواهند میتوانند از ایران نفت ببرند بلکه دلسوزانه در مقام دفاع از آنها بر می آید و میگوید که نمیخواهد کشورهای تولید کننده نفت ، نرخی را به کارتل ها « تحمیل » کنند . ببینید بی شرمی و وقاحت تا کیجاست . او نگران است که مصرف کنندگان ، یعنی سرمایه داران و کارخانه داران اروپائی و امریکائی پرداخت پول بیشتر برایشان ناگوار باشد و بنا بر این به آنها دلداری میدهد که هیچ اقدامی نخواهد کرد که « ضرر به سیستم نرخی » بخورد . وی همچنین تخمین تازمادی در مورد ذخیره نفتی ایران ارائه داد (۱۰۰ میلیارد بشکه یا ۱۳ میلیارد تن) و تقاضا کرد که تولید نفت از ایران تا حد ۴۰۰ میلیون تن در سال (یعنی ۴ برابر میزان فعلی) افزایش یابد .

(تا گفته نماند که رقم ادعائی شاه در مورد ذخائر نفتی ایران نا صحیح است) . وی میخواهد با زیاد نشان دادن رقم امکان اتمام ذخائر نفتی ایران در آینده نزدیک را پرده پوشی کند و دست کمپانی ها و خودش را در غارت هر چه سریعتر ذخائر باز بگذارد و هم بگفته روزنامه ساندی تایمز ، توام با اقدامات دیگرش وضع شرکت نفت انگلیس را که سهامدار عمده نفت ایران است در بازار بورس بهبود بخشد . ضمیمه اقتصادی تایمز اظهار میدارد که با وجودی که شرکت نفت انگلیس در سال گذشته با مشکلات و سود کم روبرو بوده ولی بخاطر در دست داشتن وسیعترین

ذخائر نفتی در نقاط مختلف جهان ۰۰۰ و مدنی که سیاست شاه ایران در بازار بورس دنبال میکند که نتیجه آن تقویت کمپانی نفت انگلیس خواهد بود ضمانت هائی را که از کلیه ضمانت های موجود در خاورمیانه بیشتر است بدست خواهد آورد و مسلما سودهای دراز مدت کمپانی نفت انگلیس را بهتسر تثبیت خواهد نمود معلوم است که چرا کارتل های نفتی « سیاست متوازن و هدف دار شاه (مستقل ملی !) برای بهره برداری بیشتر را با استقبال گرم » پذیرفته اند و رسما از برگ برنده ای که شاه بدست آنها برای موضع گیری در کنفرانس وین علیه لیبی و الجزائر و عراق داده تشکر میکنند .

قرار است روز ۲۳ ژوئیه نمایندگان از مجموع شرکت های عامل نفت به تهران بروند و بقول مطبوعات غربی این قرار داد را « با کمال میل » امضاء کنند . یکبار مصدق درباره نقش رضا شاه و تقی زاده در قرارداد ۱۹۳۳ گفت که تاریخ جهان بیاد ندارد که کسی اینقدر به منافع وطن خود خیانت کرده باشد . باید او زنده بود تا میدید که پسر خلف رضا خان تا چه حد از پدر فراتر رفته است .

چند سال پیش شاه به امریکائی ها قول داد که تا « آخرین ست » دریافتی بابت سهم امریکا در نفت را در امریکا خرج کند . سال گذشته به انگلستان اطمینان داد که بر خلاف دول غیر مسئول پولهای نفت را از بانکهای انگلیس هیچگاه بیرون نخواهد کشید ، و امسال اعلام میدارد که حاضر است پول زیادتری را در بریتانیا خرج کند . ما به شما در امر توازن پرداخت هایتان در خلال سالهای آینده کمک های زیادی خواهیم کرد . و برای تضمین سر سبردگی کامل خود ، در مذاکرات با لرد کارینگتون وزیر دفاع انگلستان ، قرار خرید هواپیماهای جنگی و دستگاه های اشعه لیزر که در تانکهای چیچن و موشکهای زویر بکار میروند و اقلام فاش نشده ای از تدارکات نظامی را بست . (و این البته علاوه بر خرید سه کنکوردر برای کمک به کمپانی های ورشکسته انگلیسی و فرانسوی است . شاه ، در حالی که همه دنیا و حتی خود سازندگان کنکوردر ، میزان آلودگی هوا و صدای آنرا مانع بزرگی می دانند بصورت دایه مهربانتر از مادر اظهار داشت که « در مورد صدای زیاد این هواپیما مبالغه شده ، ! و باز با وجودی که پرواز این هواپیما حتی از لندن به نیویورک ، و از فراز اقیانوس اطلس ، نا مناسب تشخیص داده شده ، ایشان اظهار فرمودند که چون قسمت اعظم ایران خالی از سکنه است پرواز آن بر فراز ایران مانعی ندارد . بنا بر منطقی او مردم ایران هم از ماهی های اقیانوس اطلس کتر هستند و هم به هوای کمتری احتیاج دارند) .

بهر حال این قرار داد در ۲۳ ژوئیه در تهران امضاء خواهد شد و فصلی دیگر به کارنامه سیاه شاه و استعمار اضافه خواهد گردید ، ولی این فصل ، خود دلیل دیگری خواهد بود برای تشدید مبارزات خلق ما . بگذار شاه هر جنایتی میخواهد بکند ، انقلاب خلق جواب همه این جنایات است .

شهادت در زیر شکنجه ؟

اطلاعات جدیدی در مورد چریک فدائی شهید حسین سید نوزادی افسر وظیفه توپخانه هنگ قوچان بسا رسیده که جنایت دیگری از رژیم شاه را بر ملا میکند .

حسین سید نوزادی فرزند غلامرضا ، از جوانان غیور خراسان بود که هنگام تحصیلات عالی اش در مشهد (رشته فیزیک) با مبارزات عادلانه خلق ایران پیوند خورد . پدرش حاج غلامرضا نوزادی از اهالی بیرجند و مقیم مشهد بود . نامبرده از بازاریان بنام مشهد و از هواداران جبهه ملی ایران بود که بطور مرموزی ناپدید شد و سپس جسدش را در آبهای کوه سنگی مشهد یافتند . این جنایت از جمله مسائلی بود که حسین را تکان داد .

وی بعد از اتمام دانشگاه مشهد اجبارا برای مدت ۱۸ ماه به ارتش ، هنگ قوچان (رسته توپخانه) منتقل شد در ماه های آخر دوره سربازیش در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۵۰ ناگهان ناپدید شد . پس از تلاش های

فراوان دوستان و اقوامش ، سازمان امنیت اظهار داشت که زندانی است و پس از جشن های ۲۵۰۰ آزاد خواهد شد . ولی چندی بعد روزنامه های تهران در تاریخ ۱۱ مهر شهادت وی را اعلام کردند (در گزارش از شهادت ۴ مرد مسلح در یک زد و خورد مسلحانه و همچنین دستگیری یک چریک دیگر رسیده است) تاریخ شهادت حسین ۸ مهر ۱۳۵۰ بود . جنازه اش را دژخیمان سازمان امنیت بر خلاف اصول انسانی به خانواده اش تحویل ندادند .

حسین یک مارکسیست لنینیست معتقد و انسان کامل بود . او همانند پدرش جان خود را راه آزادی خلق گذاشت . درود بر او و غلامرضا نوزادی و همه شهدای خلق باد .



سید نوزادی
غسان کفانی

پیش از ظهر روز شنبه ۸ ژوئن ۷۲ در هیجدهم خرداد ، همان دستهای جنایتکاری که ویتنام و امریکای لاتین و افریقا و ترکیه و در جای دنیا ، هرروز و هر ساعت خونهای تازه میریزند . یکی از رهبران و مبارزین برجسته خلق فلسطین را با انفجار اتمی بمبش کشتند . غسان کفانی نویسنده و متفکر و روزنامه نگار و سیاستمدار و فیلسوفی در اثر توطئه نوکران امپریالیسم وصیونی از فعالیت خستگی ناپذیرش بازماند . او عمرش در راه خدمت به قضیه فلسطین و انقلاب جهانی مر کرد . قلم و ذوق و استعداد خود را در این راه با انداختن او تجسم یک نویسنده ملتزم و متعهد بود صراحت و سرسختی او در دفاع از انقلاب جبهه علییه امپریالیسم برای همه صهیونیسم را از میان است . او مبارزه علیه صهیونیسم را از مبارزه علیه ارتجاع منطقه جدا نمیدانست و همین دلیل بود هیچگونه پروائی ارتجاع منطقه و کلیه نوکران نقاد امپریالیسم را به خلق می شناساند . او که در کورده از فلسطین (عکا) رانده شده بود همواره چون بر سر در سودای بازگشت بوطن بود . دانشگاه دمشق نیمه کاره رها کرد و بکار پرداخت . بکارگری چاپخانه و بمعلمی در عراق و کویت مشغول شد . او در راه خدمت بوطن بکار گرفت و داسستانها نمایشنامه ها و مقالات ارزنده ای نوشت . به صبر و جنبش ناسیونالیستهای عرب ، به رهبری ژرژ حبیبیوست و بالاخره در تأسیس « جبهه خلق برای آزادی فلسطین » شرکت داشت . او عضو دفتر سیاسی ج خلق و مسئول کمیته تبلیغات آن در بیروت و سردبیر مجله المهدف ارکان جبهه بود . او تا آخرین لحظه اعتقاد عمیق بمبارزه مسلحانه و قهر انقلابی ، بر تاد و خستگی ناپذیر کوشید .

مقالات او در تأیید و پشتیبانی از مبارزه ایران و بزرگداشتی که نسبت بشهدا و مبارزین ایران اعمال می نمود هرگز از خاطر مردم ایران نمریود . مقالات او در افشای جنایتهای شاه و خط بقیه در صفحه ۲

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

تلفانی بانک
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896

ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ تروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۰ تروش

ظفر مند باد جنگ عادلانه خلق